

انواع بیرق و کاربردهای آن در نتایج یک پژوهش عهد ناصری

مهربان ببری دیزج

مقدمه:

اصولاً داشتن و برافراشتن بیرق در هر اجتماعی لازمه ارتقاء آن اجتماع به درجه معینی از تمدن است. زیرا که تا وقتی اجتماعی به صورت کشوری متشکل و منظم درنیامده و به منظور حفظ و حراست حدود و ثغور خود در مقابل تهاجم اجانب یا به منظور لشگرکشی و کشورگشائی برای خود قوای نظامی نسبتاً نیرومندی گرد نیآورده باشد، پرچم و درفش در آن اجتماع معنی و مفهوم ندارد.

بیرق و پرچم معمولاً علامتی است که همراه فرمانده قوا حرکت داده می‌شود و مظهر و نماینده او است. به وسیله آن محل فرمانده قوا همواره مشخص و دوست از دشمن تمیز داده می‌شود و وجود آن اگر با اعتقاداتی نسبت به نیروی ربّانی آن توأم باشد، موجب تقویت قوای روحی سپاهیان می‌گردد. ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست.

در مذاهب و ادیان قدیم ایران، آسمان و ماه و خورشید نقش مهمی داشتند و آسمان رب الارباب محسوب می‌شد ماه و خورشید نیز دو نیروی ربّانی بسیار مورد علاقه مردم بودند و بر بیرق‌ها و پرچم‌ها و علامات دینی ایرانیان قدیم که همراه فرمانده قوا می‌شد، همواره یکی از این سه نیروی ربّانی نقش مهمی داشت و همین امر روحیه سپاهیان را تقویت می‌نمود.

در هزاره چهارم قبل از میلاد آسمان را به صورت مثلث یا نیزه‌ای می‌نمودند. علت اینکه آسمان را به صورت مثلث و یا نیزه نشان می‌داند این بود که آسمان سه نقطه اساسی و بارز می‌باشد یعنی افق مشرق، وسط السماء و افق مغرب و این امر را با رسم مثلثی می‌نمودند و به تدریج این مثلث به صورت نیزه درآمد.

جالب توجه است که در هر دوره‌ای از تاریخ ایران برای بیرق لغتی خاص مرسوم بوده است. در دوره قبل از اسلام درفش مصطلح بوده و این لغت حتی در اوستا نیز بارها آمده است و از همه درفش‌ها مهمتر همان درفش کاویانیست. بعد از اسلام اصطلاح عَلم و لَوّا مرسوم و معمول شد سپس در دروه مغول لفظ منجوق به کار رفت و از دوره قاجار لفظ بیرق معمول گردید و سپس به موجب تصویب فرهنگستان لفظ پرچم جانشین همه این اسماء گردید. عده زیادی از دانشمندان و فضایی با استعمال لفظ پرچم مخالفند، زیرا پرچم در قاموس‌ها فقط به آنچه بر سر ریات و علم‌ها می‌آویخته‌اند و اغلب از موی اسب یا موی گاو کوهی تهیه می‌شده، اطلاق می‌گردیده^۱.

علم دولتی که بر بالای عمارات دولتی نصب می‌کردند. و به کار بردن بیرق به عنوان نشان و علامت در نزد بسیاری از ملل قدیم معمول و متداول بوده است. در مصر قدیم و آشور و در نزد یهودیان معمول بوده و در کتاب مقدس مکرر به بیرق اشاره شده است. یونانیان در اوائل قطعه‌ای زره را که بر سر نیزه‌ای نصب شده، به عنوان بیرق بکار می‌بردند؛ بعدها شهرهای یونانی هر یک بیرقی مخصوص به خود داشتند در نزد رومیان نیز استعمال بیرق معمول بوده است قسطنطنین پس از گرایش به مسیحیت بیرقی که نام عیسی به حروف یونانی بر روی پارچه ای از ابریشم ارغوانی داشت را معمول ساخت. بیرق‌های اولیه اروپا جنبه مذهبی داشت و قدیمی‌ترین آنها بیرق دانمارک می‌باشد. در قرون وسطی بیرق‌های متعدد بکار می‌رفت. استعمال بیرق ملی از اواخر قرن ۱۸م. معمول شد. در دوره اسلامی اهمیت خاصی به بیرق داده می‌شد؛ در زمان پیغمبر (ص) آن را لواء و نیز رایه می‌گفتند امویان بیرق سفید، عباسیان و شیعیان بیرق سبز به کار می‌بردند ایرانیان نیز در دوره‌های مختلف تاریخ خود بیرق‌های مختلف با نقوش و اشکال گوناگون به کار برده‌اند. درفش کاویان معروف است و در دوره کورش بیرقی سفید با نقش عقاب زرین به کار می‌رفته است و دیگر پادشاهان قدیم ایران خورشید را به عنوان علامت درفش یا بیرق خود انتخاب می‌کردند و گاهی ماه زرین بر بالای درفش قرار می‌گرفته و قدیمترین آثار که در دست است به ۱۴۵۰ سال قبل از میلاد تعلق دارد. در ایران اسلامی اولین بیرقی که دارای نقش شیر و بر بالای آن ماهی زرین بود، تعلق به سلطان مسعود غزنوی داشت و در عهد بعضی از سلاطین سلجوقی نیز بر بیرق نقش شیر دیده شده است علامت بیرق مغول‌ها از دوره الجایتو به بعد از یک قسمت مربع و حاشیه دار و یک قسمت اضافی و دو زبانه تشکیل شده و شیر آن که در قسمت مربع و حاشیه دار نقش شده در حالت ایستاده است. بیرق آق قویونلوها، با علامت گوسفند و خورشید است. و از آن شاه طهماسب، خورشید بر پشت بره بود. از دوره شاه عباس به بعد بیرق رسمی شیر و خورشید بود و بیرق‌های نوک باریک با رنگ‌های مختلف و پارچه‌های قیمتی بوده است و روی این بیرق‌ها را یا آیه ای از قرآن یا شمشیر ذوالفقار علی (ع) یا شیری که خورشید طالع بر پشت دارد، نقش می‌کردند. بیرق در زمان صفویه دوزبانه و نوک تیز بود با نقش ایستاده با دم علم کرده که خورشید طالع شیری سر آن در بالای در آسمان قرار دارد. بیرق‌های نادرشاه، از پارچه‌ای راه راه قرمز آبی و سفید و زرد بوده و بعضی گفته‌اند که نقش شیر و خورشید را هم داشته است.

بیرق‌های دوره قاجاریه: از زمان آغا محمدخان اطلاع دقیق در دست نیست، اما در دوره فتحعلیشاه همان

شیر و خورشید دوره صفویه بوده است و بعضی از آن‌ها مزین به نوارهای تافته سفید و ریشه‌های زرین با زمینه‌ای سرخ رنگ است که بر بالای آن پنجه‌ای است از نقره که معرف دست علی (ع) است و بیرق‌های کوچک با زمینه آبی و در بالای آن نیزه زرین نصب شده، معمول و متداول بوده است. بیرق ملی ایران بشکل مستطیلی، از سه رنگ سبز و سفید و سرخ با علامت شیر و خورشید می‌باشد. موارد استفاده از بیرق مختلف و متنوع و برافراشتن بیرق تابع تشریفات و قراردادهای خاصی بوده است.

متن زیر در مورد بیرق از جلد چهارم مجموعه پرارزش **کُزاسه المعی** است که به همت افضل‌الملک کرمانی جمع‌آوری شده است و در کتابخانه مجلس موجود است. همان‌طوریکه افضل‌الملک در پایان یادداشت کرده است تحقیق آن برعهده اعتمادالسلطنه بوده و خط آن را آقامیرزا حیدرعلی همدانی ترقیم نموده باشد که شناسایی اقسام بیرق‌ها مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

صورت علم کاویانی که در دور اطاق موزه دولتی ضبط است شرح آن در چند ورق بعد در صفحه (۲۲۵۶) نوشته و توضیح شده است. همچنین شرح هر بیرق و علمی که در صفحات بعد صورت آن کشیده شده است به ترتیب در صفحات آتیه نوشته شده است. صورت بیرق‌ها در این دوره ناصری از قراری است که در صفحات این کُزاسه ممه‌ور و منقوش شده است. غلامحسین افضل‌الملک.

(نمره اول)

علم مشهور به علم کاویان است. این علم پرده شیر و خورشید ندارد در عوض پرده کیسه از ماهوت سرخ، تا نصف این پرده کشیده شده و چند سلامه از شال ترمه روی کیسه ماهوت سرخ آویخته است طوق این علم از طلا و مرصع است. صورت دو اژدها در دو سمت و پنجه [ای] در وسط می‌باشد این علم مخصوص غلامان خاصه کشیکخانه است. سابق بر این یعنی قبل از سفر عتبات سنه هزار و دویست و هشتاد و هفت در طوق این علم فقط طلا بود. همیشه این علم در کشیکخانه یا خانه کشیکچی باشی بود. برای تشریفات سفر عتبات طوق را مرصع کردند غالباً در خزانه و حالا در موزه است. در مواقع رسمیه از قبیل اسب‌دوانی یا در اسفار بزرگ مثل سفر خراسان و آذربایجان و غیره از خزانه و موزه در می‌آورند و به کشیکچی باشی تحویل می‌دهند و بعد از مراجعت از سفر یا بعد از انقضای تشریفات رسمی مجدداً به خزانه یا موزه معاودت می‌دهند.

(نمره دوم)

بیرق فوج پیاده است و آن عبارت از پرده مربع الشکل است از حریر در چهار ضلع آن که از تافته سرخ است این عبارت نوشته شده بسم‌الله الرحمن الرحیم انا فتحنا لک فتحاً مبیناً در وسط روی تافته سفید رنگ شیر و خورشید است و بالای خورشید در وسط شکلی لوزی که متشکل آبی است، روی آن شکل با خط طلا السلطان ناصرالدین شاه قاجار نوشته شده و در سه طرف پرده این بیرق ریشه گلابتون است. طوق این بیرق پنجه ایست از نقره در وسط آن پنجه لاله‌اله‌لله کنده شده است.

(نمره سیم)

بیرق توپخانه است یعنی بیرق عمارت توپخانه نه بیرق توپچی و آن عبارت از میله آهنی است به ارتفاع

سه ذرع، پرده‌اش مربع مستطیل، سمت بالا حاشیه سبزی و طرف پائین حاشیه سرخی در وسط روی پارچه سفید یک سمت شیر و خورشید و در مقابل شیر و خورشید یک ارابه توپ سوار تکر و صورت سه توپچی بالای توپ سوار شده صورت چند گلوله توپ و بالای گلوله‌ها دو لوله توپ بدون تکر و بالا و اطراف لوله‌های توپ چند بیرق و تاج کیانی معروف در وسط بیرقها رسم شده است.

(نمره چهارم)

بیرق توپچی است و آن عبارت از چوبی می‌باشد به ارتفاع دو ذرع و نیم مربع متساوی‌الاضلاع دورش حاشیه [ای] سبز سمت بالا بسم الله الرحمن الرحیم بعد انافتحنا لک فتحاً مبیناً و سمت پائین نادعلیاً مظهرالعجایب و در سمت دیگر مقابل چوب بیرق نصرمن الله و فتح قریب نوشته شده. در سه طرف این پرده ریشه گلابتون و روی پارچه آبی وسط شکل توپی روی تکر و سوار است، در پهلوی آن چند گلوله توپ نقش شده طوق این بیرق عبارت از سه گلوله مدور که بالای گلوله شکل دو لوله توپ است و روی لوله‌های توپ شیپور و در شیر بی خورشید که شمشیر در دست دارند روبروی هم طوری که دو دستهایشان به هم وصل است و پای هر یک از آن شیرها به لوله توپها نصب شده و این دو شیر را از برنج مطلا شده ساخته‌اند.

(نمره پنجم)

بیرق سوار است و آن عبارت از پرده ایست مربع الشكل متساوی‌الاضلاع از حریر، متن آن سفید و سه طرف حاشیه آبی دوره از سه طرف ریشه گلابتون در حاشیه بالا بسم الله الرحمن الرحیم حاشیه پائین انافتحنالک فتحاً مبیناً حاشیه جلو نصرمن الله و فتح قریب. بالای خورشید شکل لوزی است که متن آن سبز می‌باشد و روی آن السلطان ناصرالدین شاه قاجار با خط طلا نوشته شده، طوقش مدور به علاوه در سر طوق شکل سرنیزه است. غالباً طوق نقره و بعضی اوقات هم برنج مطلا است بعضی اوقات طوق فقط قبه است بدون سرنیزه.

(نمره ششم)

بیرق عزاست در ایام عاشورا یعنی دهه اول محرم یا در سایر اوقات که تعزیه خوانی می‌شود و در اوان فوت شخص پادشاه در بالای ابنیه دولتی این بیرق را نصب می‌کنند. پرده‌اش از پارچه سیاه است که در روی آن شیر و خورشیدی رسم شده است.

(نمره هفتم)

بیرق سواره قزاق است و ضرور به شرح نیست، وضع آن معین است.

(نمره هشتم)

این بیرق که عبارت از پرده مربعی است و دو حاشیه دارد: بالا سبز و پائین قرمز و متن سفید و در روی قسمت سفید این بیرق شیر و خورشیدی رسم شده و مخصوص به ابنیه و عمارات سلطنت و سربازخانه‌ها و بنادر و هر چه متعلق به دولت و سلطنت است، می‌باشد. شاید بیرق کشتی پرسپولیس هم همین قسم باشد.

(نمره نهم)

این بیرق هم پرده‌اش سه رنگ است و هر سه رنگ عرضاً و طولاً متساوی است. قسمت بالا سبز قسمت وسط سفید و قسمت پائین سرخ و شیر و خورشید در روی هر سه رنگ ساخته شده است. این بیرق هم مثل نمره هشت بالای ابنیه دولتی و سلطنتی افراشته می‌شود.

(نمره دهم)

علم تعزیه است که روز هفتم محرم هر سال در حرمانه جلالت بسته می‌شود. اوقاتی که مرحوم مهدعلیا والده شاهنشاه حیات داشتند ایشان و بعد از فوت آن مخدیره سرکار نواب علیه‌عالیه انیس الدوله مباشر این کار هستند و در این روز جمعی از شاهزاده خانمها و خواتین محترمه را دعوت به حرمانه می‌کنند و علم را با پارچه‌های بسیار نفیس از زری و ترمه بنارس می‌بندند و جیقه مرصعی که از نادرشاه مانده است به این علم می‌زنند. طوقش پنجه طلا است و با تشریفات زیاد از حرمانه بیرون می‌آورند و تحویل فراشباشی میدهند او به قاپوچی باشی تسلیم می‌کند، قاپوچی باشی دست گرفته، در جلو فراشانی سرکاری که به طور دسته نوحه می‌خوانند این علم را به تکیه دولت وارد می‌کنند و تا روز عاشورا که سه روز باشد این علم سپرده به فراشباشی است. عصر روز عاشورا فراشباشی علم را به خواجه باشی تحویل می‌دهد و به حرمانه می‌برند و باز می‌کنند.

(نمره یازدهم)

بیرق قاپوق است. در اوایل دولت شاهنشاه جمجاه این قاپوق در وسط میدان توپخانه قدیم جلو سر در آلاقی همان جائی که حوض بزرگ است از زمان آقا محمدشاه تا چهل و سه سال قبل از این نصب بود بعد از آن نقل شده و در وسط سبزه میدان حالیه افراشته شد. سی و سه سال است که از سبزه میدان به طرف جنوبی شهر دارالخلافه همان جائی که حالا افراشته شده است نصب شد و این بیرق عبارت از یک چوب بسیار بلندی است که ده ذرع ارتفاع دارد [ناخوانا] یک سکوئی از آجر ساخته شده نصب است قبه از مطلا دارد و پرده سه گوش قرمز مقصیر یعنی را که در واجب القتل هستند از قبیل قاتل و غیر در زیر این بیرق قصاص می‌کنند و سه روز علی‌الرسم باید جسد شخص مقتول برای عبرت سایرین در پای قاپوق افتاده باشی. در اسفار بزرگ پهلوی در دو بازار که قاپوق همیشه نصب است به همین شکل بدون سکو روزهای کوچ یک قاپوق و آن علامت این است که فردا از این منزل کوچ است وقتی در دو قاپوق بلند است علامت این است که فرد در این منزل اطراق است.

شرح بیرق و اعلام دولت ایران تا این جا تمام شد تقریر شرح بیرقها از حضرت مستطاب اجل آقای اعتمادالسلطنه وزیر دارالتألیف که سابقاً صنیع الدوله لقب داشته‌اند و این صفحات شرح اعلام به خط آقا میرزا حیدرعلی همدانی مسوده‌نویس باشد و دارالتألیف غلامحسین افضل‌الملک است.

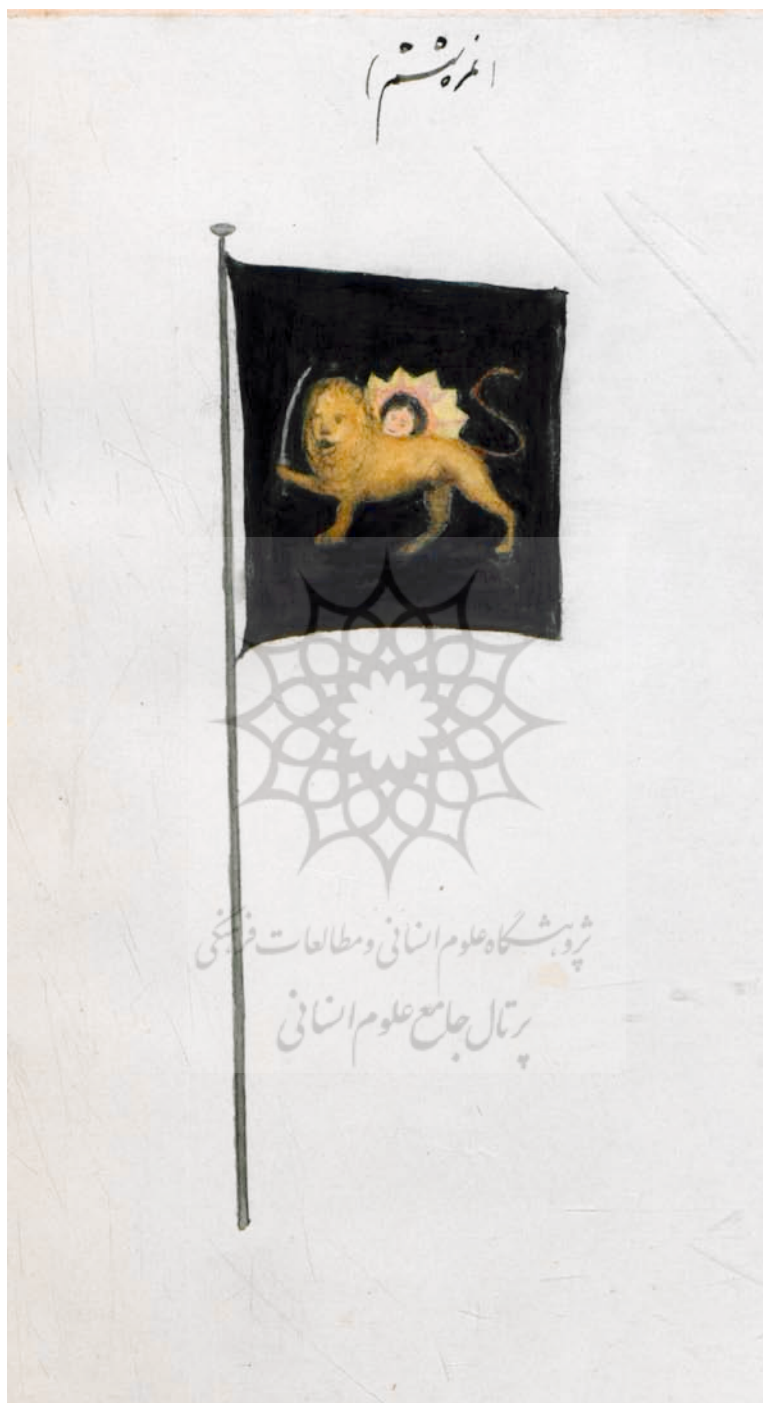






















(نمرة اول)

علم مشهور بعلم کا دیان است این علم پرده شیر و خورشید ندارد در عوض پرده کبش از مابوت
 سرخ تا نصف این پرده کبش و چند سده از ریش رزمه در کبش مابوت سرخ
 آردیم است طوق یغلم از طلا در صحت است صورت در آرد؟ در صحت و پنجه
 در وسط بدنه این علم مخصوص عقاب خاصه کشیدن نه تنها بقی بر این غیر قهر از سفر
 عبات سینه هزار در صحت و سکه در طوق یغلم فقط طلعه همیشه یغلم
 در کشیدن نه یا خانه کبش باشد بود برابر شرفیات سفر عبات در طوق را
 مرصع کردن غائب در خزانه و حال در موزه است در مواقع رسمه از قفسه
 یا در هزار بزرگ مثل سفره نه و در زیارتی و غیره از خزانه و موزه در ساد و در
 و به کبش باشد بگویند بگویند و بگویند در سفر یا بزرگ شرفیات رسمی
 مجدد بخزانة یا موزه سعادت میدهند

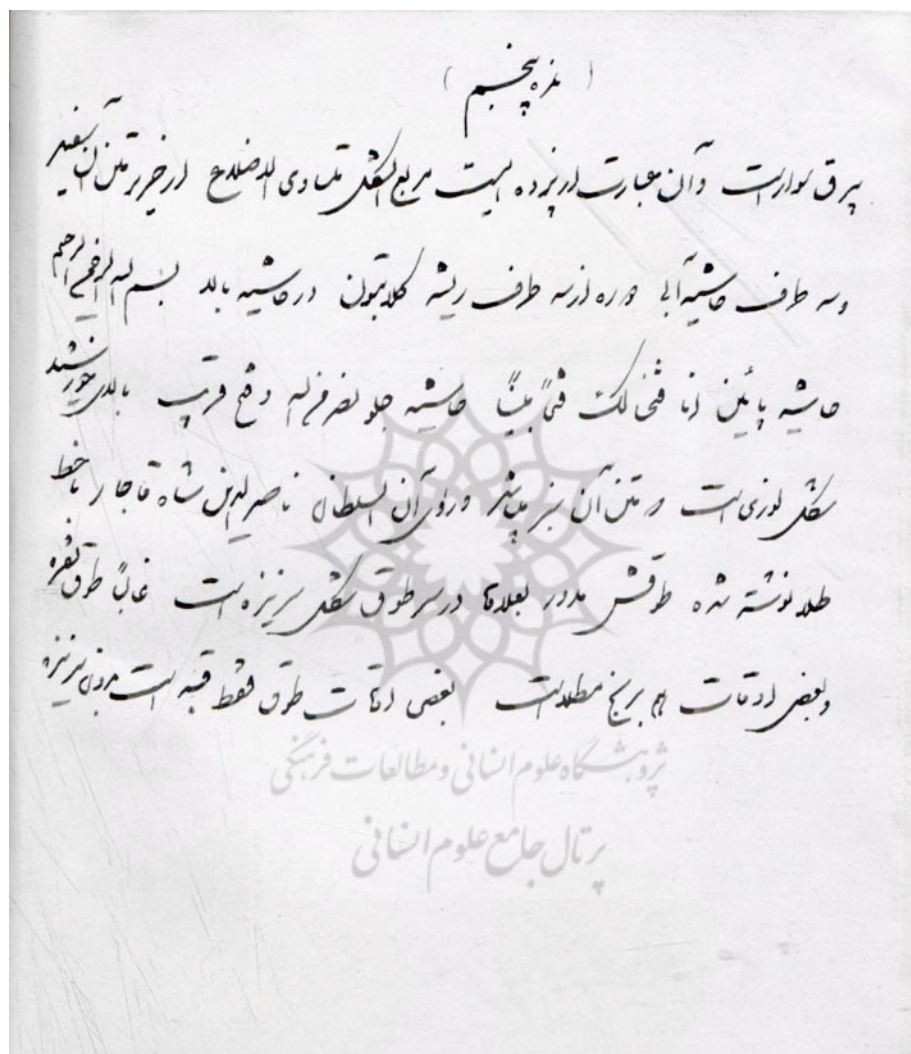
(مزه حرم)

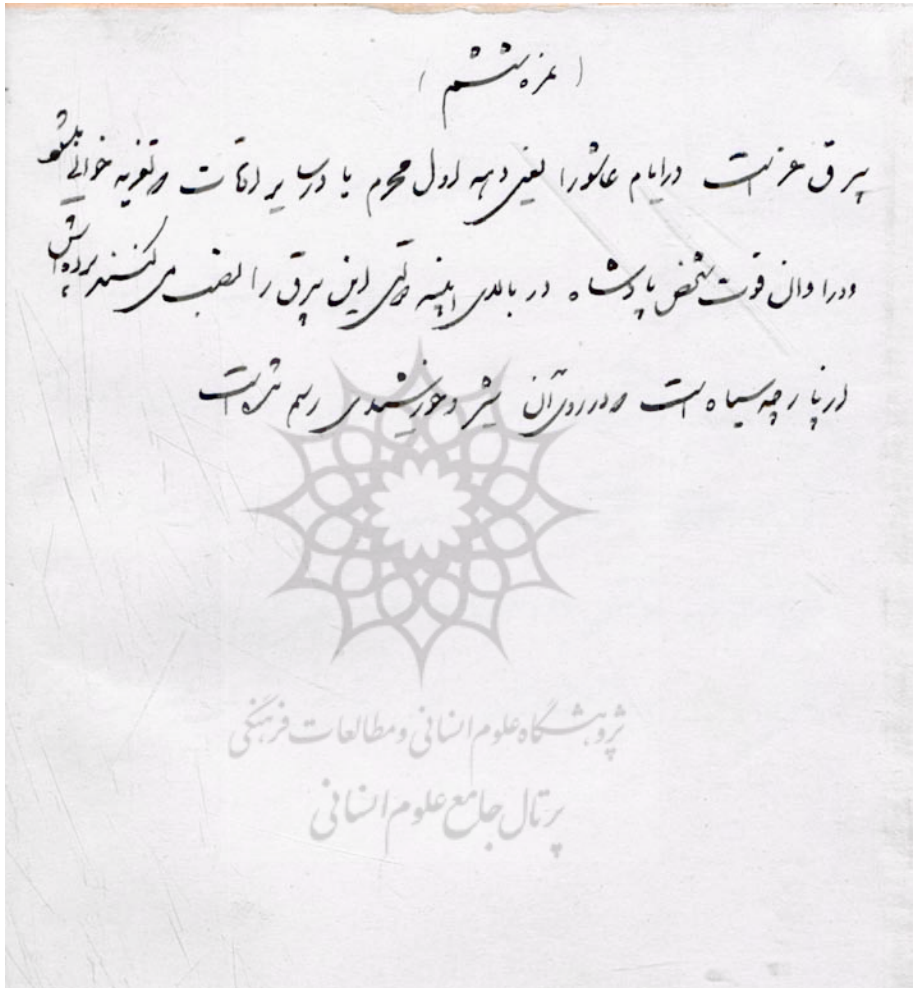
بیرق فوج پاه است و آن عبارت از پرده مربع الهی است در خیر در چهار ضلع آن
 دراز تا قه سرخ است این عبارت نوشته شد بسم الله الرحمن الرحیم انا فتحنا
 فتح مبین در وسط دراز تا قه سفید است و بر سر خنجر
 در وسط خنجر که منش آب است و در آن خنجر با خط طلای سلطان خنجر
 شاه قاجار نوشته شد و در سه طرف پرده این بیرق رفته کلاه تنون است
 طوق این بیرق پنجه است از فقره در وسط آن پنجه لاله کلاه تنون است

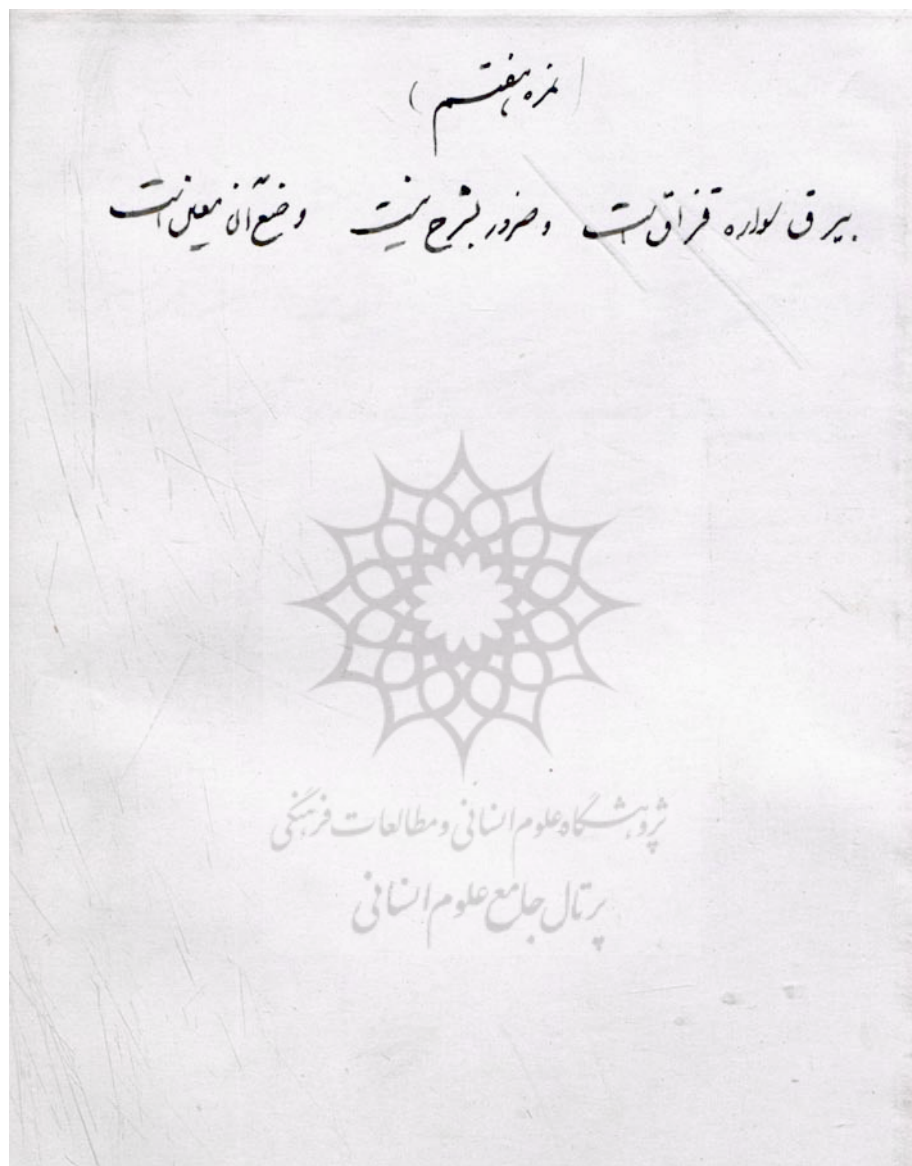
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

(۱) منزہ حق رحم

[illegible]





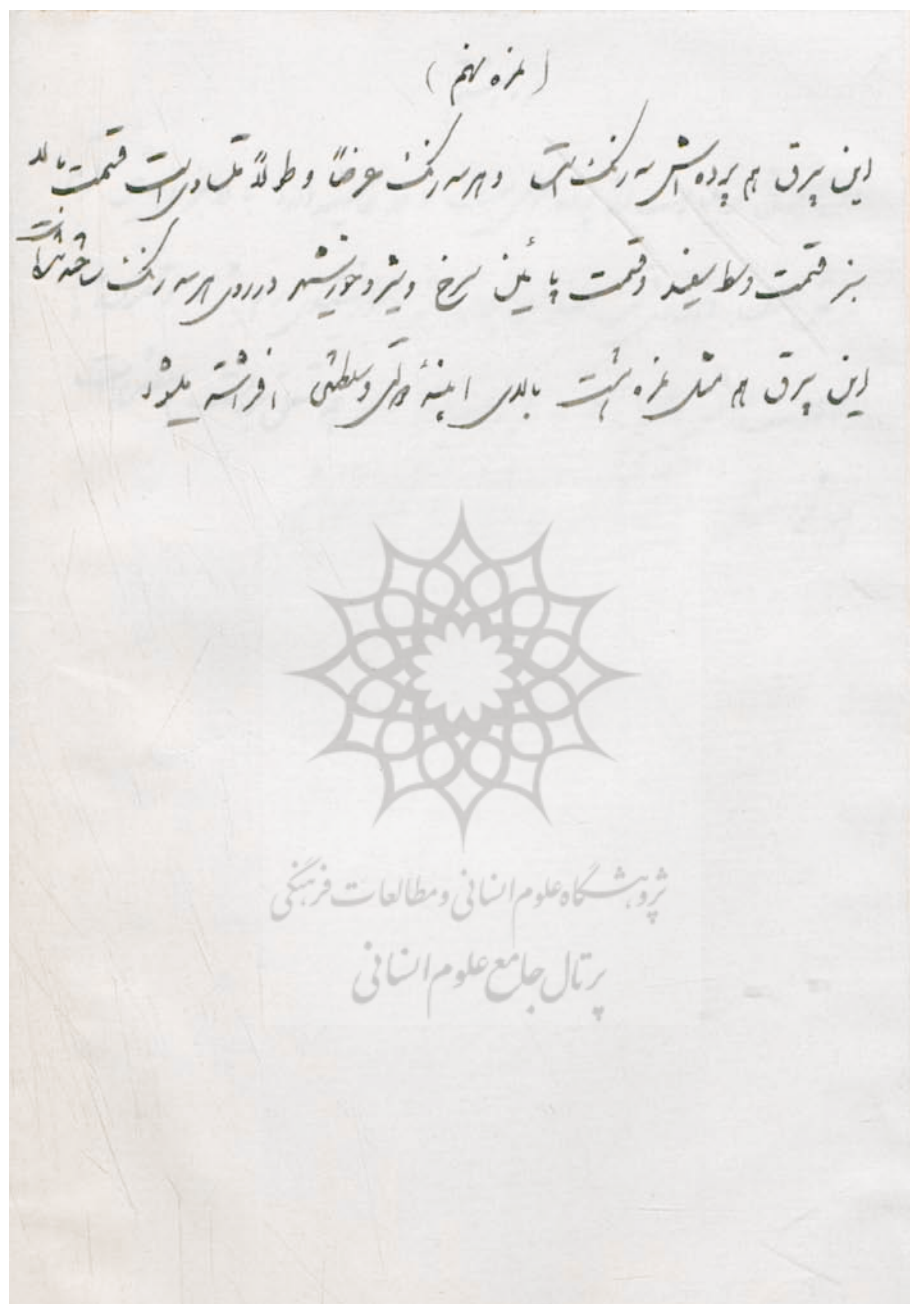


مزمه هشتم

این پرَق رِجابت از پرده بهر است و در حاشیه دارد بالاد بر دپایین قمر
و تن سفید و در در قنیت سفید این پرَق شیر و خورشید رسم شده و مخصوص به پادشاه
و محالست سطر و سر باز خانه ما و ب در و هر چه متعلق بر است سلطان است
پادشاه شیر پرَق کُتیر پر سوسر به این قمر



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



(منزه دهم)

علم لغزیه است در روز مهتم محرم هر سال در حرمخانه جلدی بسته شود و در آن روز
 مرحوم محمد علی و لهه شریف حیات داشتند و به روز فوت آن منزه
 سرکار آداب علیه السلام سپهر لعل با سر بخار میسند در روز جمعه از آن برزده
 فتنه و خواتین محترمه را دعوت بحر حمانه می کنند و علم را با پارچه های
 بسیار نازک در دست و باز می بندند و حقیقه مصر در روز نازک مانده است
 با این علم میزنند طوقش پنجه خلعت و با شرفات رنای از حمانه سرودن
 سر آردن و تحمیر فرجانی میدهند و در بقا پوچر باقی می ماند و پوچر باقی
 دست گرفته در جو فوژانی سرکار بطور دست نداده میخوانند و علم را
 به یکتیه هلت دارد می کنند و آن روز عیال و روز با آنرا اسفند سروده
 بفرجانی است عصر روز عیال فرجانی علم را بخوابه بفرجانی میدهند
 و بحر حمانه چهره و باز می کنند

